

هم راه‌ها اصلی و فرعی دارند و هم دوراهی‌ها؛ اصلاً همه گرفتاری‌ها سر دوراهی‌هاست که اولاً اصلی و فرعی‌شان را بتوان تشخیص داد و ثانیاً راه درست را بتوان درست انتخاب کرد!

برای همین است که سیدالشهدا اول از اصل دوراهی شروع می‌کند و بعد می‌رسد به انتخاب راه. دوراهی اصلی برای امام حسین علیه‌السلام «بهشت و جهنم» است یا بهتر بگوییم «جهنم رفتن یا نرفتن» است. این را ارباب ما بدون تعارف می‌گویند که اگر همه چیز داشته باشم و رهایی از آتش نداشته باشم، انگار هیچ چیز ندارم:

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتْنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي
وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ...

خدایا حاجتی را از تو درخواست می‌کنم که اگر آن را به من عطا کنی، هر چه را که ندادی، به من ضرر نرساند و اگر آن را به من ندهی، هر چه را که بدهی، سودی نبخشد؛ از تو آزادی‌ام را از آتش درخواست می‌کنم...

حالا بین بعضی‌ها چه جور می‌خواهند جهنم را سرسری بگیرند و پشت پرده غفلت بگذارد! نه خیر آقا؛ همه چیز همین جهنم است که باید در متن زندگی من و تو قرار بگیرد و دنیا و آخرت من و تو را سامان بخشد؛ درست مثل ابا عبدالله...